

## جریان کشف حجاب در شهر اصفهان

سید مسعود سید بنکدار<sup>۱</sup>

### چکیده

این مقاله، بر آن است تا با استفاده از منابع و اسناد موجود، به بررسی چگونگی اجرای برنامه کشف حجاب و نتایج حاصل از آن در شهر اصفهان بپردازد. روش تحقیق در این مقاله، به صورت کتابخانه‌ای و تطبیق و تحلیل منابع موجود، بخصوص اسناد موجود بوده است. در این تحقیق تاریخی، پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم، به سازماندهی اطلاعات و تجزیه و تحلیل و سرانجام استنتاج از آن‌ها پرداخته شده است. نتیجه گرفته می‌شود کشف حجاب، یکی از مسئله‌سازترین اقداماتی بوده است که در دوره پهلوی اول انجام گرفت. اجرای این برنامه در اصفهان، به واسطه آن که بافت تاریخی و اجتماعی شهر، بافتی سنتی و مذهبی بود، با واکنش‌ها و مخالفت‌های گسترده‌ای روبرو شد. دولت برای پیشبرد این طرح، به استفاده از زور و فشار متوسل می‌شود. این در حالی است که پاره‌ای از اقشار، با این طرح همراهی می‌کنند.

### کلید واژه‌ها:

کشف حجاب / زنان / اصفهان / دولت ستیزی / رضا پهلوی، شاه ایران، ۱۲۵۷-۱۳۲۳ / اسناد تاریخی

\*\*\*

## درآمد

در دوران شانزده ساله پادشاهی رضاشاه در ایران، اقدامات اجتماعی گوناگونی صورت گرفت که پاره‌ای از آن‌ها سمت و سوی ترک سنت‌ها و پذیرش مظاهر تمدن غربی داشت. نمونه بارز آن، مسئله کشف حجاب بود که سر و صدای زیادی به همراه داشت. کشف حجاب، پس از مسافرت رضاشاه به ترکیه و تحت تأثیر مشاهدات او در آنجا، رسماً در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۱۴ ش. / ۸ ژانویه ۱۹۳۵ م. در جشنی که به مناسبت نهضت آزادی زنان ایرانی در ساختمان دانشسرای مقدماتی با حضور خانواده سلطنتی و جمعی از رجال کشوری و بانوان صورت گرفت، اعلام گردید و از فروردین ۱۳۱۵ ش. / مارس ۱۹۳۶ م. تبعیت از آن اجباری شد.<sup>۱</sup>

مخبرالسلطنه هدایت - که از نزدیک شاهد تصمیم‌گیری‌های دولت در این زمینه بوده است - در خاطرات خود نوشته است: «اواخر ریاست من، در جلسه‌ای از جلسات هیئت - که اسهام صادر و وارد محدود می‌شد - تیمورتاش، کلاه زنانه را داخل امتعه مجاز کرد. گفتیم چه حاجت؟ گفت: لازم می‌شود. گوشه پرده پروگرام دهساله بالا رفت. قصد من از پروگرامی که به شاه عرض کردم، این بود که به جای چادر، روپوش نجیب و محترمی برقرار شود که زینت زن جز به صورت و کفین پوشیده باشد، چنانکه در مکه دیده بودم و در شرع مقرر است. بالجمله امر صادر شد که از اول فروردین ۱۳۱۴، مردها کلاه فرنگی (لگنی) بر سر بگذارند و زن‌ها، چادر را ترک کنند. کلاه اجنبی، ملیت را از بین برد و برداشتن چادر، عفت را. پرده حجاب باقی بود؛ لباس بلند پوشیدند و روسری برافکندند و این، حجاب شرعی بود. پلیس، دستور یافت روسری را از [سر] زن‌ها بکشد. روسری‌ها پاره شد و اگر ارزش داشت، تصاحب! مدتی زد و خورد بین پلیس و زن‌ها دوام داشت. بسیار زن‌ها را شنیدم که از خانه

بیرون نیامدند. امر شد مبرزین محل، مجالس ترتیب بدهند، زن و مرد محل را دعوت کنند که اختلاط، عادی شود.»<sup>۲</sup>

گروه‌هایی از زنان ایرانی، در مقابل دستور تغییر لباس به گونه‌های مختلف مقاومت می‌کردند و از پاره شدن چادرهایشان به دست مأموران، ابراز تنفر می‌کردند.<sup>۳</sup>

اصفهان نیز چون شهرهای دیگر، شاهد اعتراضات مردم بود. این اعتراضات، در مقایسه با دیگر شهرها، به واسطه بافت سنتی - مذهبی شهر بیش‌تر گسترده بود. لذا اجرای این قانون، در شهر اصفهان مشکل‌تر به نظر می‌رسید.

در اعلاناتی که حاکمان قاجار پیش از سلطنت پهلوی اول در شهر منتشر می‌کردند، تأکید بسیار به حفظ و انجام موازین شرعی می‌شد. در یکی از این اعلانات، آمده بود: «... عموم نسوان، بایست با حجاب در معابر عبور نموده و از صحبت با مرد (اعم از خودی یا بیگانه) اجتناب نمایند و در صورتی که طرف مذاکره واقع شوند، طرفین دستگیر و جلب به نظمیه خواهند شد...»<sup>۴</sup>

تصویری که یکی از سیاحان اروپائی از اوضاع شهر اصفهان پیش از کشف حجاب داده، جالب توجه است: «چهارباغ اصفهان، یکی از زیباترین خیابان‌های ایران است ... این خیابان، از زن و مرد پر می‌شود. زنان مسلمان، همه چادر سیاه به سر دارند؛ صورتشان پوشیده است و [با] آن گوشه از چشم - که بیرون است - همه چیز را می‌بینند. مردان، سعی دارند تا حد امکان زنان را برانداز کنند که گاهی کاملاً موفق می‌شوند.»<sup>۵</sup>

مسئله حجاب و استفاده از چادر در اصفهان، حتی در میان اقلیت‌های مذهبی شهر نظیر یهودیان نیز رایج و متداول بوده است.<sup>۶</sup>

با اعلام کشف حجاب در پایتخت، در اصفهان نیز اقداماتی برای اجرای آن به دست شهربانی و

لباس و تهیه آن به طوری که مطلوب است، تا امروز دقت‌های لازم به عمل نیآورده‌اند.»<sup>۱۱</sup>

در شهر، بعضی از زنانی که مکشفه گشته بودند، مورد خنده و تمسخر مردم قرار می‌گرفتند. یکی از این زنان، در اعتراض به چنین واکنشی، در نامه خود نوشته بود: «اگر چنین باشد و این نوع حرکات وحشیانه در کار باشد، کجا می‌توان مکشوف‌الحجاب شد و بیرون آمد؟ چنانچه از این گونه کارها جلوگیری نشود، دیگر ابداً نمی‌توانیم بی‌حجاب از منزل‌هایمان بیرون بیائیم.»<sup>۱۲</sup>

در گزارش دیگری که در سال ۱۳۱۷ش/۱۹۳۸م. تنظیم شده، فرماندار اذعان داشته که «نسبت به رفع حجاب با اینکه در حفظ عقاید خیلی متعصب بودند و تا این حد انتظار نمی‌رفت، در تمام جلسات دعوت‌ها، طبقات مختلفه با خانم‌های خود حضور به هم می‌رسانند. جز اینکه در ایاب و ذهاب و کوچه‌ها، هنوز عمومیت پیدا نکرده و گاهی با چادر بیرون می‌آیند ... هر روز اقداماتی برای عمومیت دادن و منع استعمال چادر می‌شود ... شاید نتیجه حاصل شود. به طور کلی اخیراً زن‌های با چادر در معابر دیده نشوند.»<sup>۱۳</sup>

چنان که در این سند ملاحظه شد، مردم بیش‌تر می‌کوشیدند از کشف حجاب دوری کنند. کشف حجاب، در قرا و قصبات و روستاهای حومه اصفهان نیز به اجرا گذاشته شد.<sup>۱۴</sup>

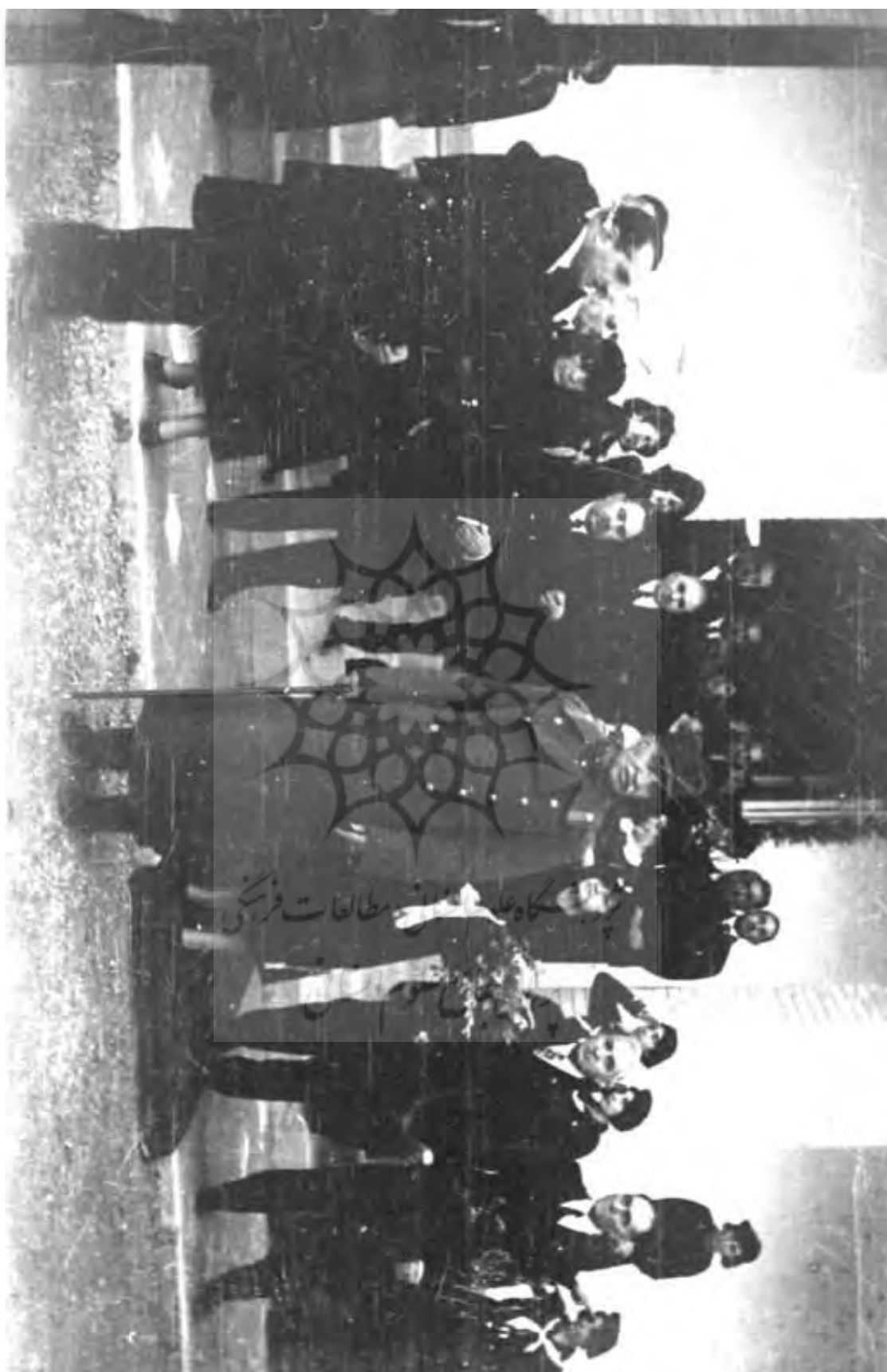
پس از اعلام کشف حجاب، همه ساله در شهرهای مختلف مراسم جشنی بدین مناسبت برپا می‌شد.<sup>۱۵</sup> در اصفهان هم در روز هفدهم دی، مراسمی در اداره معارف برگزار می‌شد.<sup>۱۶</sup> در ۱۷ دی ۱۳۱۷ش/۷ ژانویه ۱۹۳۹م. این مراسم در تالار دبیرستان سعدی برگزار شد. برنامه اصلی این مراسم، شامل برگزاری سخنرانی‌هایی با مضامین «اهمیت روز هفدهم دی در حیات بانوان ایران»، «زندگانی نوین بانوان ایران» و اجرای نمایش و سرود بود.<sup>۱۷</sup>

اداره معارف صورت گرفت. اداره معارف، جلساتی تشکیل داد که در آن، از عموم رؤیسان ادارات و متصدیان شعب آن‌ها، محترمان شهر و معلمان دعوت به عمل آمده بود. مدعوان، بدون استثنا می‌بایست با بانوان خود در مجلس حاضر می‌گردیدند.<sup>۱۸</sup>

از طرف دیگر، جلساتی نیز با حضور رؤیسان کارخانه‌ها و تجار و همسرانشان در کارخانه‌های اصفهان برگزار می‌شد. یکی از این جلسات، در کارخانه ریسباف تشکیل شد. در این جلسه، «... کلیه تجار درجه اول از قبیل عموم افراد خانواده کازرونی‌ها، بنکدارها که بزرگ‌ترین آن‌ها بیش از هفتاد دارد [داشت] و عده دیگر از تجار و طبقات مختلفه - که بیش از نهصد نفر بودند - در یکی از سالن‌های کارخانه که هنوز مقدار زیاد از ماشین‌آلات آن نصب نشده [بود] ... حضور به هم رسانیده و به یکدیگر معرفی شده، پس از صرف شیرینی و چای و ایراد خطابه‌ها، متفرق گردیدند...»<sup>۱۹</sup>

در این جلسات، زن‌های کارگر کارخانه نیز با لباس‌های دریافتی از کارخانه، شرکت می‌کردند.<sup>۲۰</sup> در سال ۱۳۱۵ش/۱۹۳۶م. بر شدت سختگیری در اجرای قانون کشف حجاب افزوده شد و ضمن قرار دادن پاسبان‌های پیاده و سواره در معابر و محل‌های دوردست و ممنوع کردن آمد و شد زنان باحجاب در بازار و جلوگیری از سوار شدن زنان باحجاب در درشکه‌ها و اتوبوس‌ها، سعی کردند با عرضه پالتو، جوراب و گیوه در محلات شهر، در تسریع روند کشف حجاب کمک کنند.<sup>۲۱</sup>

در گزارشی که به تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۱۵ش/۱۱ ژوئن ۱۹۳۶م. از طرف حکومت اصفهان به ریاست وزیران ارسال شده بود، در مورد مشکلات اجرای قانون کشف حجاب در اصفهان چنین آمده است: «این قبیل از مسائل و ترک عادت چند صد ساله، باید به تدریج عملی گردد. حالا هم نه این که زن‌های باحجاب وجود دارند، ولی البته در طرز



بازدید رضاشاه بعد از صدور فرمان کشف حجاب از دانشسرای مقدماتی (۱۳۱۴ ش.)، شماره کتاب‌شناسی ملی ۲۵-۳۳۷۰

مشکلاتی که بدان اشاره شد، اجرای کشف حجاب، هم در مسائل آموزشی زنان و هم در امور اقتصادی بازار، مسئله‌ساز شد.

با اجبار در مسئله کشف حجاب و استفاده از فرم در مدارس، عده‌ای از دانش‌آموزان دختر و اولیای آنان، تصمیم به ترک تحصیل گرفتند.<sup>۲۱</sup>

در زمینه اقتصادی هم، اجرای جریان کشف حجاب، موجب شده بود تا از آمد و شد زنان باحجاب در بازار جلوگیری شود. در نتیجه، بازار کار اصناف اصفهان کساد گردید و رقیبان پيله‌ور یهودی آن‌ها، از این وضع نهایت استفاده را بردند.<sup>۲۲</sup>

اما به واسطه آن که کسبه بازار به دولت مالیات پرداخت می‌کردند، سرانجام دولت محدودیت‌ها و ممانعت‌هایی بر دوره‌گردهای یهودی وضع کرد.<sup>۲۳</sup> پس از وقایع ۱۳۲۰ ش. / ۱۹۴۱ م. و سقوط حکومت رضاشاه، از شدت فشارها در زمینه اعمال کشف حجاب کاسته شد و بیش‌تر زنان توانستند در داخل شهر، با چادر نماز و مشکی رفت و آمد کنند و حتی سوار اتوبوس و درشکه هم بشوند. در همان زمان، با زنان کشف حجاب کرده، با الفاظ رکیک و زننده برخورد می‌شد.<sup>۲۴</sup>

#### نتیجه

کشف حجاب، یکی از مسئله‌سازترین اقداماتی بود که در دوره پهلوی اول انجام گرفت. اجرای این برنامه در اصفهان، به واسطه آن که بافت تاریخی و اجتماعی شهر، بافتی سنتی و مذهبی بود، با واکنش‌ها و مخالفت‌های گسترده‌ای روبرو شد. دولت برای پیشبرد این طرح، به استفاده از زور و فشار متوسل شد. به‌رغم اینکه عامه مردم روی خوشی به اجرای این برنامه نشان ندادند، پاره‌ای از اقشار با این طرح همراهی کردند.

مبارزه با حجاب، تا آخرین روزهای سلطنت پهلوی اول در اصفهان ادامه داشت. در گزارشی به تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ ش. / ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۱ م. از کفیل شهربانی اصفهان به فرماندار شهر، در موضوع جلوگیری از استفاده بانوان از روسری، آمده است: «گذشته از این که همیشه مأمورین در این قسمت جدیت‌های وافیه به عمل آورده و متخلفین را جلب و تعقیب می‌کردند، مجدداً هم آموزش داده شد که بیش از پیش اقدام و از استعمال روسری و چارقد از آن‌ها جلوگیری نمایند.»<sup>۱۸</sup>

اجرای جریان کشف حجاب، در اصفهان هم مانند دیگر نقاط کشور مشکلات فراوانی در زندگی اجتماعی زنان ایجاد کرد. زیرا کسانی که مقید به حفظ حجاب بودند، به انحای مختلف می‌کوشیدند حجاب خود را حفظ کنند. عده‌ای از زنان، به‌ندرت از منزل خود خارج می‌شدند و یا ساعاتی را برای خروج از منزل در نظر می‌گرفتند که با مأموران نظمی مواجه نگردند. گروهی هم که مجبور بودند از منزل خارج شوند، با استفاده از کلاه و پالتو، سعی داشتند حجاب خود را حفظ کنند. یکی از این زنان، در خاطرات خود آورده است: «ما، به بیرون از خانه می‌رفتیم و حتی مسافرت هم می‌کردیم؛ ولی بایستی کلاه شاپو سرمان باشد. خوب، با این جور لباس برای خودمان حجاب درست کرده بودیم. کلاه شاپوی پارچه‌ای را - که خودمان دوخته بودیم - تا پائین سرمان می‌آوردیم و تازه شال گردن هم می‌انداختیم ... حالا اسمش هم این بود که ما کلاه سرمان است و مانتو هم پوشیده‌ایم.»<sup>۱۹</sup>

در برخی موارد، برای حفظ حجاب درگیری‌هایی بین افراد پیش می‌آمد. یکی از این درگیری‌ها، بین یکی از پزشکان جراح اصفهان - که مریضانش می‌بایست بی‌حجاب می‌بودند - و مریض و بستگانش در سال ۱۳۱۶-۱۳۱۷ ش. / ۱۹۳۷-۱۹۳۸ م. رخ داد و به زخمی شدن دکتر انجامید.<sup>۲۰</sup> جدا از

### ◆ پی‌نوشتها

- ۱- محمدرضا خلیلی‌خو، *توسعه و نوسازی ایران در عصر رضاشاه* (تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳)، ص ۱۷۲؛ یرواند آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی و دیگران (تهران: نشر نی، ۱۳۸۴)، ص ۱۷۹؛ *حسن نبوی، تاریخ معاصر ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید* (تهران: انتشارات دانشسرای عالی، بی‌جا)، ص ۵۳۹.
- ۲- مهدقلی هدایت، *خاطرات* (تهران: زوار، ۱۳۷۵)، صص ۴۰۷-۴۰۸.
- ۳- ریدر بولارد، *کلارمونت اسکراین، شترها باید بروند*، ترجمه حسین ابوترابیان (تهران: نشر نو، ۱۳۶۳)، ص ۲۲.
- ۴- *اسنادی از خاندان روضاتیان*، به کوشش رسول جعفریان (قم: انصاریان، ۱۳۸۲)، ص ۲۶۲.
- ۵- مریت هاکس، *ایران افسانه و واقعیت*، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد، محمدتقی اکبری، احمد نمائی (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸)، ص ۵۵.
- ۶- *مادفون روزن کتس، سفری به دور ایران*، ترجمه علی محمد عبادی (تهران: پازنگ، ۱۳۶۹)، ص ۲۹۹.
- ۷- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، *معاونت اسناد ملی*، شماره سند ۲۹۱۰۰۰۲۲۳، محل در آرشیو ۵۰۵ ط‌آج‌ا؛ *خشونت و فرهنگ، اسناد محرمانه کشف حجاب (۱۳۱۳-۱۳۲۲)* (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱)، ص ۵۳.
- ۸- *خشونت و فرهنگ*، همان، ص ۵۵.
- ۹- *همان*، ص ۵۶.
- ۱۰- *همان*، صص ۵۵، ۵۹ و ۶۰.
- ۱۱- *همان*، ص ۶۱.
- ۱۲- *همان*، ص ۵۷.
- ۱۳- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، *معاونت اسناد ملی*، شماره سند ۲۹۰۰۰۳۲۸۷، محل در آرشیو ۴۸۷ و آب‌ا.
- ۱۴- *همان*، شماره سند ۲۹۱۰۰۱۱۲۷، محل در آرشیو ۴۶۸ ط‌آج‌ا؛ *خشونت و فرهنگ*، پیشین، ص ۶۱.
- ۱۵- *همان*، شماره سند ۲۹۷۰۲۸۱۵۵، محل در آرشیو ۷۲۹ ف‌آب‌ا؛ *همان*، شماره سند ۲۹۷۰۲۸۳۱۴، محل در آرشیو ۳۵۳ ف‌آب‌ا.
- ۱۶- *همان*، شماره سند ۲۹۱۰۰۳۱۳۹، محل در آرشیو ۴۲۵ ع‌آج‌ا.
- ۱۷- *همان*، شماره سند ۲۹۲۰۰۵۴۳۰، محل در آرشیو ۳۶۹ ن‌آب‌ا.
- ۱۸- *همان*، شماره سند ۲۹۱۰۰۲۳۷۲، محل در آرشیو ۲۰۹ ط‌آج‌ا.
- ۱۹- مهدی نفیسی، *نبض حیات*، به کوشش نسرين نفیسی، (بی‌جا: نقش خورشید، ۱۳۸۰)، ص ۲۲۹.
- ۲۰- *همان*، ص ۱۱۲.
- ۲۱- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، *معاونت اسناد ملی*، شماره سند ۲۹۷۰۰۰۲۹۸، محل در آرشیو ۴۱۳ آب‌ا؛ *خشونت و فرهنگ*، پیشین، ص ۵۴.
- ۲۲- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، *معاونت اسناد ملی*، شماره سند ۲۹۱۰۰۲۵۸۱، محل در آرشیو ۶۱۸ ط‌آج‌ا.
- ۲۳- *اسنادی از انجمن‌های بلدی تجار و اصناف (۱۳۰۰-۱۳۲۰ ش.)* (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰)، جلد ۱، ص هفت.
- ۲۴- *واقعه کشف حجاب، اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان*، به کوشش مرتضی جعفری و دیگران (تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱)، ص ۴۱۰.